

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

## فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۵۲) تَصَوُّر

به آن آشنا گفتم:

- خوشبختانه، معنای عقل و خرد و نیز تفاوت بین آن ها تا حد زیادی برایم روشن شده است.

اکنون می خواهم بدانم که تَصَوُّر چیست.

آیا تصور، نوعی تصویر ذهنی است؟

فرمود:

- اگر از شما پرسیده شود که تصورِتان از یک پدیده، مثلاً صورتان از یک فرد چیست، آیا فقط تصویری از

ظاهر او را مَجَسِّم و برای مَخاطَب توصیف می کنید؟

در جواب گفتم:

- خیر. من، علاوه بر وصفِ ظاهرِ او، احساسات و اطلاعاتِ خودم دربارهٔ آن فرد و ویژگی های اخلاقی اش را هم بیان می کنم.

فرمود:

- پس خودِ شما هم قبول دارید که تصور، یک تصویرِ ذهنی ساده نیست.

تصورِ شما از یک پدیده، بازسازیِ آن پدیده در ذهن تان است؛

آن هم نوعی بازسازیِ همه جانبه در حدِ امکاناتِ ذهن تان.

افزود:

- در واقع، تصورتان از یک پدیده، پروندهٔ ذهنی شما در رابطه با آن پدیده است.

تصورِ شما از یک پدیده، پرونده ای است که پوشه های متعدد و گوناگون، و کاملاً مرتبط با هم، از جمله

تصاویری ذهنی، در رابطه با آن پدیده در آن بایگانی شده اند.

شما بر اساس همین تصورتان از آن پدیده است که درباره اش قضاوت می کنید، تصمیم می گیرید، و یا

نسبت به او دست به رفتارِ معینی می زنید.

\*\*\*\*

گفتم:

- آن چه شنیدم به زبانِ تمثیل و تشبیه بود.

لطفاً، به زبانی ساده و گویا، بفرمایید که

تصورات دقیقاً چیستند، در زندگی ما انسان ها چه اهمیتی دارند، و چه گونه نقشی را ایفا می کنند؟

فرمود:

- تصورات، ابزار اصلی انسان برای نگرستن به هستی، و اندیشیدن، سخن گفتن، داوری، تصمیم گیری، و رفتار نسبت به آن هستند.

و، به همین خاطر، اهمیت فراوان دارند.

گفتم:

- ولی شما قبلاً فرموده بودید که مبنای تصمیم گیری ها و اعمال یک انسان، احساسات و ادراکات او هستند.

فرمود:

- این دو همچون مأمورانی هستند که درباره یک پدیده، مجموعه ای از اطلاعات را گرد آوری می کنند تا در پرونده ذهنی مربوطه قرار گیرند و تصور معینی را پدید آورند.

پس

احساسات و ادراکات، مستقیماً موجب شکل گیری تصمیمات و اعمال شما نمی شوند،

بلکه از طریق اطلاعاتی که گرد می آورند، به تصورات تان شکل می بخشند،

و سپس،

این تصورات، شما را به سوی قضاوت و تصمیم گیری و عمل سوق می دهند.

افزود:

- البته ممکن است احساسات و ادراکات تان موجب تشکیل یک تصور نادرست راجع به یک پدیده در

ذهن شما شوند؛

به بیان دیگر،

گاهی آن دو مأمور، عمداً یا سهواً، اطلاعاتی نادرست را در پروندهٔ مربوط به آن پدیده در ذهن شما بایگانی

می کنند.

پرسیدم:

- یعنی احساسات و ادراکات مان ما را قریب می دهند؟

پاسخ داد:

- آری. در فرآیندهای ذهنی انسان ها، این فریبکاری ها امر بسیار رایجی است که در بارهٔ علل آن بعداً برایتان

سخن خواهم گفت.

حال بگویید

اگر ذهن شما دستخوش چنین فریبی شود و تصورتان از یک پدیده، متکی به اطلاعات نادرست باشد، چه

روی خواهد داد؟

گفتم:

- در مورد آن پدیده، به اشتباه قضاوت و عمل خواهم کرد.

پرسید:

- و در این صورت، وظیفهٔ شما در خصوص آن پدیده چیست؟

گفتم:

- باید در ذهنم آن اطلاعات نادرست را از پروندهٔ مربوط به او حذف کنم و اطلاعات درست را در آن قرار دهم.

البته

بهترین کار این است که آن دو مأمور را عَزَل کنیم و به جای آن ها، مأموران دقیق تر و صادق تری را به کار

بگذاریم.

\*\*\*\*

فرمود:

- تصوراتِ نادرست یا ناقص در بارهٔ کُلِ هستی و یا تک تک پدیده های آن هم موجبِ نگرشِ نادرست، داوری های ناصحیح، و تصمیماتِ اشتباه و گاه مُهلک خواهد شد.

به جرأت می توان گفت،

تا آن جا که به ذهن مربوط می شود،

عاملِ اصلیِ گمراهیِ انسان ها، داشتنِ تصوراتِ نادرست و غیر منطقی با واقعیت یا حقیقت است.

افزود:

- البته این احساسات و ادراکاتِ مُلکی اند که مُستَعِدِ خطا هستند، و گرنه، احساسات و ادراکاتِ ملکوتی،

هیچگاه انسان را به نگرش و داوری و تصمیماتِ اشتباه نمی کشانند.

پس روشِ درست برایِ عَزَلِ آن دو مأمور این است که

احساسات و ادراکاتِ ملکوتی را جایگزینِ احساسات و ادراکاتِ مُلکی تان کنید.

پرسیدم:

- چگونه؟

فرمود:

- به همان روش که خرد را جایگزین عقل می کردید.

یعنی

باید احساسات و ادراکات مُلکی خود را به گونه ای به کار ببرید که موجب ارتباطِ شما با ساحتِ ملکوت شوند. اگر، صادقانه، این دو را در راهِ شناختِ خداوند و اجرای فرامینِ "او"، به کار گیرید، به اذنِ "او"، حتی در همین دنیا، با سپهرِ ملکوت مُرتبِط می شوید و، در نتیجه، به عنوانِ پاداش، به شما، در حدِ شایستگی تان، به نحوِ شهودی، احساسات و ادراکاتِ ملکوتی عطا می گردد.

افزود:

- به بیانِ دیگر، روزنه ای به ساحتِ بیکرانِ ملکوت به سویتان گشوده می شود، و از این روزنه، بارقه ای از احساسات و ادراکاتِ ملکوتی به قلبِ شما نازل خواهد شد.

ادامه داد:

- با اعطای شمه ای از احساسات و ادراکاتِ ملکوتی به شما، به همان نسبت، صورتان از هستی دگرگون می گردد.

\*\*\*\*

به سمتِ پنجره رفت و به آن سویِ جاده اشاره کرد و پرسید:

- آیا آن سنگ و آن درخت را در کنارِ جاده می بینید؟

گفتم:

- بله.

پرسید:

- آیا آن ها هم شما را می بینند؟

در پاسخ گفتم:

- به یاد دارم زمانی فرمودید که، آن سنگ سر به سجده نهاده و آن درخت هم که به هنگام وزیدن باد خم

می شود در حقیقت به رکوع می رود.

لأبد اکنون می خواهید بگویید که

آن ها هم زنده اند و سرگرم تماشای ما هستند.

فرمود:

- اگر منظور، تماشا با چشم سر باشد، طبیعتاً آن ها چنین نمی کنند.

ولی، در یک نگاه دیگر، یعنی اگر شما بتوانید با چشمی دیگر به هستی بنگرید و صورتان را در مورد زنده

یا مرده بودن دیگر پدیده ها اصلاح کنید،

در آن صورت

خودتان هم، به یقین، اذعان خواهید کرد که آن ها نیز شما را می بینند.

افزود:

- در پرتو آن نگاه، می بینید که آن ها هم، به تعبیری، تصویر و تصویری از شما دارند.

و آن گاه، برایتان

خشت خام همچون یک آینه می شود و همزمان حقیقت خویش و شما و هستی را به راستی می نمایاند،

و می دانید که

سنگ و درختِ آن سویِ جاده هم شما را می شناسند و به خاطر می آورند.

و بسیار فراتر از آن

روزی، به فرمانِ "او"، درباره کارهایی که کرده اید و آن ها شاهدِ آن بوده اند، شهادت خواهند داد.

\*\*\*\*

ادامه دارد .....